

## مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم قتل و صدمات

### بدنی در حقوق کیفری انگلستان و ایران

محمد حسن حسنی \*

#### چکیده

با وقوع انقلاب صنعتی و رشد فناوری اشخاص حقوقی نیز از موقعیت ویژه‌ای در جوامع مدرن برخوردار گردیدند. نفوذ اشخاص حقوقی در بسیاری از ابعاد زندگی بشر نیاز انسان به اشخاص حقوقی را پدیده‌ای روشن می‌نماید. با این وجود اشخاص حقوقی عامل وقوع فجایی‌اند که حیات بشر را به خطر انداخته است. فاجعه آفرینی اشخاص حقوقی و افزایش قربانیان آن از چالش‌های مهم حقوق در ایجاد سطح مناسبی از مسئولیت اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی می‌باشد. کاستی‌های مسئولیت انضباطی و مدنی در انعکاس و حمایت از ارزش حیات بشر، سبب نضج ایده مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی شده است.

هدف از نگارش این مقاله واکاوی این موضوع است که آیا دیدگاه سنتی مبنی بر آنکه تنها انسان موضوع مسئولیت کیفری در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی است، قابل تعدیل می‌باشد و دلایلی بر تعمیم مسئولیت کیفری در برابر جرائم یاد شده به اشخاص حقوقی وجود دارد.

#### کلید واژگان

مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی، قتل، صدمات بدنی.

---

\* دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی.

## مقدمه

با وجود شناسایی ایده «شخصیت حقوقی»<sup>۱</sup> در حقوق انضباطی و مدنی، در زمینه پذیرش اشخاص حقوقی به عنوان مخاطب اوامر و نواهی قانون‌گذار کیفری همواره ابهاماتی وجود داشته است. البته در حقوق کیفری موضوع اشخاص حقوقی از دو جنبه قابل ملاحظه است. **نخست:** جرائم مرتبط با اشخاص حقوقی<sup>۲</sup> است، که در محدوده فعالیت آنان توسط مدیران و مستخدمان آن‌ها ارتکاب می‌یابد و در طبقه جرائم با مسئولیت مطلق<sup>۳</sup> متضمن مسئولیت انضباطی<sup>۴</sup> می‌باشند. **دوم:** مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم واقعی<sup>۵</sup> نیازمند رکن معنوی نظیر قتل و صدمات بدنی است. مسئولیت کیفری در مفهوم قابلیت یا اهلیت شخص برای تحمل تبعات کیفری رفتار مجرمانه نیز مبتنی بر دو اصل «استقلال فردی»<sup>۶</sup> و «عقلانیت»<sup>۷</sup> است و انسان با تمتع از نیروی عقل و اراده به عنوان یگانه موضوع مسئولیت کیفری فرض می‌شود. در مقابل اشخاص حقوقی به عنوان موجودات ساختگی فاقد مسئولیت کیفری در برابر جرائم واقعی قتل و صدمات بدنی تلقی می‌شوند. بنابراین پرسش این است که آیا دلایلی برای تعدیل فرض یاد شده وجود دارد؟ آیا اشخاص حقوقی دارای اهلیت ارتکاب رفتار مجرمانه توأم با حالات ذهنی لازم در جرائم قتل و صدمات بدنی می‌باشند؟ چگونه می‌توان حالات ذهنی قصد، بی‌احتیاطی یا غفلت در جرائم مذکور را به اشخاص حقوقی نسبت داد؟ نظام کیفری کامن‌لا در طرح و پاسخگویی به این مسائل سابقه بیشتری دارد و به نتایج نسبتاً مطلوبی نیز رسیده است. بر

- 
1. Juristic Personhood.
  2. Corporate Crime.
  3. Strict Liability Offences.
  4. Regulatory Liability.
  5. Real Crimes.
  6. Individual Autonomy.
  7. Rationality.

همین اساس مطالعه تطبیقی موضوع در حقوق کیفری انگلستان و ایران می‌تواند در اتخاذ سیاست کیفری سنجیده آموزنده باشد.

در نوشتار حاضر نخست پیشینه، توجیه و محدودیت‌ها و آنگاه مدل‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

### ۱. پیشینه‌ی موضوع

سابقه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی در حقوق کیفری انگلستان و ایران را می‌توان در دوران پیش و پس از قرن بیستم میلادی مورد مطالعه قرار دارد.

#### ۱.۱. دوره پیش از قرن بیستم میلادی

ایده شخصیت حقوقی ریشه در سنت رُم قدیم دارد. در قرن دوازدهم میلادی شخصیت حقوقی کلیسا و متعاقب آن دانشگاه‌ها و شهرداری‌ها به منظور حمایت از حق مالکیت آنان پذیرفته شد. تشکیل کمپانی «هند شرقی»<sup>۸</sup> در اواخر قرن شانزدهم به عنوان نقطه عطف ایجاد شرکت‌های تجاری مدرن توصیف شده است و ایده شخصیت حقوقی مستقل آنان با رأی مجلس اعیان در سال ۱۸۹۷<sup>۹</sup> تقویت گردید. مسئولیت اشخاص حقوقی در جبران خسارات در شبه جرم پیش از قرن نوزدهم پذیرفته شد؛<sup>۱۰</sup> اما واجد مسئولیت کیفری شناخته نمی‌شدند. با این وجود از اواسط قرن نوزدهم و همزمان با گسترش صنایع و

8. East India Co.

9. Salomon V. Salomon (1897) Ac 22.

10. Wells, Celia, Corporation And Criminal Responsibility, 2 nd edn., Oxford, Oxford University Press, 2001, PP. 81-82.

شرکت‌ها، دادگاه‌ها به تدریج اقدام به پذیرش مسئولیت اشخاص حقوقی در برابر برخی جرائم نمودند. نخستین گام پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر ترک افعالی بود که منجر به مزاحمت عمومی<sup>۱۱</sup> می‌شد.<sup>۱۲</sup> به زودی آشکار شد مسئولیت در برابر ترک افعال کافی نیست و در گام بعدی، اشخاص حقوقی نسبت به افعال غیر قانونی نیز مسئول شناخته شدند.<sup>۱۳</sup>

به علاوه دادگاه‌های انگلستان تا پیش از سال ۱۹۰۰ میلادی کاملاً با این ایده آشنا بودند که بنابه برخی اهداف کلمه «شخص»<sup>۱۴</sup> در قوانین کیفری می‌تواند شامل اشخاص حقوقی نیز شود.<sup>۱۵</sup> قانون تفسیری ۱۸۸۹ نیز مقرر نمود چنانچه بر خلاف آن قصد نشده باشد کلمه «شخص» در قانون نسبت به اشخاص حقوقی نیز اعمال می‌شود.<sup>۱۶</sup> با این وجود مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر مبنای اصل کامن‌لایی مسئولیت جانشینی صرفاً نسبت به جرائم قانونی با مسئولیت مطلق پذیرفته شد و به جرائم سنتی نیازمند رکن معنوی همانند قتل و صدمات بدنی تعمیم نیافت. گرد «دن من»<sup>۱۷</sup> بر برخی اظهارات جنبی در دعاوی قدیمی تأکید نمود: «یک شرکت قادر به ارتکاب خیانت به کشور یا جنایت نیست. شهادت

11. Public Nuisance.

12. See: Todarelo, Vincent; Corporations Don't Kill People-People Do: Exploring The Goals Of The United Kingdom's Corporate Homicide Bill., New School Law Review, 46, 2003, PP. 856-858.

۱۳. در سال ۱۸۴۶ شرکت (Great North Of England Railway) به اتهام مزاحمت عمومی ناشی از مسدود نمودن یک بزرگراه به هنگام احداث خط آهن محکوم گردید. در این پروژه مقرر گردید محکوم نمودن یک شرکت در برابر فعل به همانند ترک فعل ممکن است.

(See: Jefferson, Michael, Criminal Law, 1st edn., London, Longman, 2001, P. 231)

14. Person.

15. Wells, Celia, Op. Cit., P. 86.

16. Interpretation Act 1889, S 2 (1).

17. Lord Denman.

خلاف واقع یا جرائم علیه اشخاص را می‌توان به این جرائم اضافه نمود. متعاقباً دادگاهی<sup>۱۸</sup> مقرر نمود که اقامه دعوی به طرفیت شرکت‌ها به اتهام تجاوز به ملک امکان‌پذیر است؛ اما هیچکس تلاش نکرد تا اعمال غیر اخلاقی آن‌ها را دقیقاً بررسی نماید. اعمال غیر اخلاقی از ذهن فاسد شخص در نقض وظایف اجتماعی که به انسان تعلق دارد ناشی می‌شود. یک شرکت چنین وظایفی ندارد و نمی‌توانند در این موارد مجرم شناخته شوند.<sup>۱۹</sup>

مطالعه حقوق ایران از آغاز تاریخ مدون تا انقلاب مشروطیت نیز حکایت از آن دارد که پس از فتح ایران به دست اعراب و رواج حقوق اسلامی ایده شخصیت حقوقی بیت‌المال و وقف و اهلیت تملک و تصرف آنان پذیرفته شد. با این حال از آن جهت که در شریعت اسلام تنها انسان واجد اهلیت جزایی فرض می‌شود، حقوق کیفری ایران نیز با تأثیرپذیری از آن صرفاً انسان را واجد مسئولیت کیفری می‌شناخته است و در نتیجه اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی فاقد مسئولیت کیفری بودند.<sup>۲۰</sup>

## ۲. ۱. دوره پس از قرن بیستم میلادی

در حقوق انگلستان برای نخستین بار در سال ۱۹۱۷ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم نیازمند رکن معنوی نیز پذیرفته شد.<sup>۲۱</sup> لیکن مشکل واقعی نسبت به جرائم

18. Court Of Common Pleas.

19. R V. GR North Of England Rail Way Co (1846) 115 ER At 1298.

۲۰. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید: صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، صص ۷۹-۱۰۴. عوده، عبدالقادر؛ التشریع الجنائی الاسلامی، ترجمه ناصر قربانیان و دیگران، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۳، ص ۱۳۴. فیض، علیرضا؛ مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۳۷-۲۳۶.

۲۱. در سال ۱۹۱۷ شرکت متهم در برابر عمل غیر قانونی یکی از مدیران خود در ارائه صورتحساب خلاف واقع به قصد اجتناب از پرداخت عوارض دارای مسئولیت کیفری جانشینی شناخته شد. با این وجود در این دعوی جرم ارتكابی از جرائم مبتنی بر قانون بود.

(Mousell Brothers V. London And North Western Railway Co [1917] 2 KB 836)

کامن‌لایی نیازمند رکن معنوی همچنان تا دهه ۱۹۴۰ باقی بود. در دهه ۱۹۴۰ میلادی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم نیازمند رکن معنوی، اعم از مبتنی بر قانون یا کامن‌لا، بر مبنای مسئولیت مستقیم طبق تئوری برابرانگاری<sup>۲۲</sup> در سه پرونده پذیرفته شد.<sup>۲۳</sup> قاضی «مکناتن»<sup>۲۴</sup> در تأیید انتساب رکن معنوی می‌گوید: «اگر نماینده مسئول در شرکت در حیطه اختیاراتش عمل نماید و از طرف شرکت سندی را ارائه دهد که از جعلی بودن آن آگاه است و قصد اغفال داشته باشد، من تصور می‌کنم که مطابق اختیاراتش، آگاهی و قصد او می‌بایست به شرکت نسبت داده شود».<sup>۲۵</sup>

به موازات تحولات قضایی در احراز مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم نیازمند رکن معنوی و تأیید اهلیت اشخاص حقوقی در ارتکاب جرائم واقعی مطابق تئوری برابرانگاری گام‌های آشکاری به ویژه از سال ۱۹۸۷ مقارن با فاجعه واژگونی کشتی هرالد<sup>۲۶</sup> و مرگ یکصد و هشتاد و هشت نفر در تعقیب کیفری اشخاص حقوقی به اتهام قتل غیر عمد برداشته شد. با این وجود کاستی‌های تئوری برابرانگاری مانع از محکومیت اشخاص حقوقی به اتهام قتل غیر عمد در اغلب موارد گردید. بر همین اساس نیز کمیسیون حقوقی انگلستان در سال ۱۹۹۶ تئوری جدیدی را برای احراز مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرم قتل غیر عمد پیشنهاد نمود. این تئوری به موجب لایحه‌ی آدم‌کشی اشخاص حقوقی در آوریل ۲۰۰۰ به مجلس عوام تقدیم و سرانجام منجر به تصویب قانون قتل غیر عمد و آدم‌کشی شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۷<sup>۲۷</sup> گردید.

## 22. Identification Theory.

<sup>۲۳</sup> در این سه پرونده اشخاص حقوقی به اتهامات استفاده از سند مجعول به قصد اغفال و استفاده متقلبانه از سند مجعول (که هر دو از جرائم قانونی بودند) و نیز جرم کامن‌لایی تبانی برای اغفال مسئول شناخته شدند.

## 24. Macnaghten J.

25. DPP. V. Kent And Sussex Contractors Ltd [1944] KB 156.

26. Herald Of Free Enterprise.

27. The Corporate Manslaughter And Homicide Act 2007 (C M H A)

در حقوق کیفری ایران نیز بعد از انقلاب مشروطیت قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ ه.ش. تصویب شد. با این وجود نقشی که اشخاص حقوقی با توسعه فعالیت خود در سایر کشورها داشتند و تأثیر عمیق آنان باعث شد تا به منظور دفاع از منافع اجتماعی دامنه مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی به مسئولیت کیفری آنان توسعه یابد، هنوز در ایران رُخ نداده بود.<sup>۲۸</sup> به علاوه قانون‌گذار ایرانی با الهام از نظام حقوق نوشته و اقتباس از قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ (اصلاحی ۱۳۵۲) پیش‌بینی نمود. انقلاب ۱۳۵۷ نیز در رویکرد قانون‌گذار ایرانی تغییری ایجاد نمود و بلکه در برخی قوانین خواه قبل و بعد انقلاب ۵۷ به عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تصریح گردید.<sup>۲۹</sup> اضافه بر آن استفاده مقنن از عباراتی همانند «هر کس»، «قاتل»، «جانی»، «هرگاه شخصی» در مقررات قانونی مربوط به جرائم قتل و صدمات بدنی و همچنین پیش‌بینی مجازات‌هایی که ملازمه با طبیعت انسان دارد، دلالت بر عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر اینگونه جرائم دارد.<sup>۳۰</sup> با وجود پیش‌بینی دیه به عنوان یکی یکی از اقسام مجازات جرائم یاد شده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، ماهیت دوگانه دیه به عنوان تأسیسی مستقل که همزمان جنبه جبران خسارت و مجازات دارد<sup>۳۱</sup> مانع

۲۸. اشتیاق، وحید؛ گرایش به پذیرش و توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: واکنش واقع‌گرایانه به آثار توسعه، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال ششم، شماره یازدهم، ۱۳۸۶، ص ۲۲.

۲۹. برای نمونه می‌توان اشاره نمود به: قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ (ماده ۲۸)؛ قانون تنظیم توزیع و کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۵۳ (ماده ۹)؛ لایحه قانونی رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۹ (ماده ۲)؛ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ (ماده ۲۰۱)؛ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ (ماده ۵۶۸).

۳۰. در این زمینه می‌توان به مجازات اعدام، حبس و اقامت اجباری در مواد ۱۷۷-۱۷۰ و ۱۸۱-۱۸۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و مجازات قصاص و حبس در مواد ۲۰۵؛ ۲۰۷؛ ۲۶۹؛ ۶۱۴-۶۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ اشاره نمود.

۳۱. برای ملاحظه قائلین به این دیدگاه نگاه کنید به: میرمحمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی: جرائم علیه اشخاص، تهران، میزان، ۱۳۸۶، صص ۱۹۷-۱۹۶. رهامی، محسن؛ عرفی شدن مجازات‌ها در

از محکومیت کیفری اشخاص حقوقی به پرداخت آن در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی در فقدان نصّ قانونی است. پیش‌بینی ضمان بیت‌المال در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ را نیز نمی‌توان از مصادیق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی به شمار آورد. چه آن که مسئولیت کیفری منوط به مباشرت یا تسبیب شخص مسئول در جنایت است و حال آنکه بیت‌المال بی‌آنکه مباشرت یا تسبیب در جنایت داشته باشد مسئول پرداخت دیه در موارد منصوص شمرده شده است.<sup>۳۲</sup> در واقع هدف از مسئولیت بیت‌المال صرفاً ممانعت از اهدار خون و ترمیم خسارت بزه‌دیده می‌باشد.<sup>۳۳</sup> رویه معمول دادگاه‌های ایران نیز تاکنون بر عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی بوده است و این جرائم را به جای شخصیت حقوقی به مدیران آن نسبت می‌دهند.<sup>۳۴</sup> با این حال استثنائاً برخی دادگاه‌ها رأی به محکومیت کیفری اشخاص حقوقی به پرداخت دیه در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی غیر عمد داده‌اند که پیش از این بر عدم وجاهت قانونی آن تأکید شد.<sup>۳۵</sup>

نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، سمت، ۱۳۸۳؛ ص ۳۳. عارفی مسکونی، محمد؛ ماهیت حقوقی دیه و تحلیل میزان و نوع آن، تهران، دانشور، ۱۳۸۲، ص ۸۰. ابراهیم شفیعی سروستانی و دیگران؛ قانون دیات و مقتضیات زمان، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸.

۳۲. برای ملاحظه موارد مسئولیت بیت‌المال نگاه کنید به: مواد ۶۷، ۲۳۶، ۲۴۴، ۲۵۵، ۲۶۰، ۳۱۲ و ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰.

۳۳. برای ملاحظه قائلین به این دیدگاه نگاه کنید به: میرمحمد صادقی، حسین؛ همان، ص ۱۹۶. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۰.

۳۴. برای نمونه می‌توان به رأی شماره ۸۵۶ مورخ ۸۶/۸/۲۸ دادگاه عمومی سمنان؛ رأی شماره ۱۴۸۲-۱۴۵۰ مورخ ۸۲/۱۰/۱۳ دادگاه عمومی گرگان؛ رأی شماره ۵۰۸ مورخ ۸۵/۶/۲۸ شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی ساری اشاره نمود.

۳۵. برای نمونه در پی ایجاد حریق و کشته شدن چهارده سرباز و نیز مصدومیت هفت نفر دیگر در سال ۱۳۷۶ به طرفیت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و شرکت مازند و همچنین دو نفر از مسئولان به اتهام قتل و صدمات بدنی غیر عمد اقامه دعوی کیفری گردید. دادگاه ضمن صدور حکم برائت



## ۲. توجیه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی

به طور کلی در هر نظام حقوقی سه راهبرد کنترل اجتماعی رفتارهای زیان‌بار وجود دارد که متضمن سه نوع مسئولیت انضباطی، مدنی و کیفری است. هر سه نوع مسئولیت در اعلام قانونی بودن یا نبودن انواع خاصی از رفتار مشترک‌اند.<sup>۳۶</sup> با این وجود کاستی‌های مسئولیت انضباطی و مدنی از یک سو و مزایای مسئولیت کیفری از سوی دیگر مهم‌ترین توجیهات مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی می‌باشند.

### ۲.۱. کاستی‌های مسئولیت انضباطی و مدنی اشخاص حقوقی

مسئولیت انضباطی و مدنی اشخاص حقوقی در برخورد با جرائم قتل و صدمات بدنی واجد کاستی‌هایی‌اند که جداگانه شرح داده خواهد شد.

#### ۲.۱.۱. مسئولیت انضباطی اشخاص حقوقی

مسئولیت انضباطی ناشی از نقض حقوق انضباطی است و حقوق انضباطی مجموعه قواعدی است که رفتار خاص این یا آن گروه شغلی را که در واقع حاوی مقررات مربوط

اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی را به پرداخت دیه بزه‌دیدگان محکوم می‌نماید. دادگاه در رأی صادره چنین استدلال می‌کند: «... آتش‌سوزی ناشی از کمبود و عدم تهیه و پیش‌بینی وسایل ایمنی بوده و لذا این امر ناشی از یک شخص معین تعریف شده نبوده است بلکه مجموعه عوامل و اجزای تشکیل دهنده به اعتبار شخصیت حقوقی مورد لحاظ می‌باشد...» (رأی شماره ۲۶۱۳-۸۲/۱۲/۱۸ شعبه اول دادگاه عمومی آزاد شهر که به موجب رأی شماره ۷۹۰-۸۴/۶/۲۰ شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان تأیید گردیده است).

در مورد دیگر نیز دادگاه تجدیدنظر استان گلستان شرکت دولتی خاور دشت علی‌آباد کتول را به اتهام بی‌احتیاطی و عدم رعایت مقررات ایمنی منتهی به حریق و ایراد صدمه بدنی و با این استدلال که بروز این حادثه ناشی از ساختار شرکت بوده است محکوم به پرداخت دیه می‌نماید. (رأی شماره ۱۴۶۷-۸۶/۹/۸ شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان).

۳۶. کمیته اروپایی مسائل مربوط به جرم (شورای اروپا)، گزارش جرم‌زدایی اروپا، ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی، قم، سلسیل، ۱۳۸۴، ص ۵۷.

به نحوه کار و رفتار حرفه‌ای آن‌ها است را تنظیم می‌کند<sup>۳۷</sup> و مشتمل بر قوانین ناظر به سلامت و ایمنی حین کار و آلودگی محیط زیست و امثال آن می‌باشد.

قانون سلامت و ایمنی حین کار ۱۹۷۴ انگلستان<sup>۳۸</sup> با تحمیل وظایف عمومی<sup>۳۹</sup> مطابق مواد ۲ تا ۶، کارفرمایان را مکلف به اتخاذ اقدامات به نحو متعارف قابل اجراء به منظور ایمن‌سازی محیط کار از خطرات یا کاهش آن می‌نماید. کارفرما نیز شامل هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی می‌گردد. کارفرما نمی‌تواند این وظایف را به شخص دیگر واگذار نماید.<sup>۴۰</sup> نقض وظایف عمومی نه نیاز به اثبات ایراد صدمه و خسارت دارد و نه مسئولیت مدنی ایجاد می‌کند بلکه تنها موجب مسئولیت انضباطی می‌گردد و ضمانت اجرای آن جریمه نقدی تا حداکثر ۲۰/۰۰۰ پوند در دادگاه مجستری و نامحدود در دادگاه سلطنتی است.<sup>۴۱</sup> علاوه بر آن هم اکنون دویست آیین‌نامه انضباطی مطابق ماده ۱۵ قانون سلامت و ایمنی حین کار ۱۹۷۴ وضع شده است که مهم‌ترین آن‌ها آیین‌نامه مدیریت و کنترل سلامت ایمنی حین کار ۱۹۹۹<sup>۴۲</sup> است. اغلب آیین‌نامه‌های انضباطی با تحمیل وظایفی مسئولیت مطلق ایجاد می‌نمایند.<sup>۴۳</sup> نقض آیین‌نامه‌های انضباطی نیز دارای ضمانت اجرای جریمه نقدی حداکثر سطح پنج (در حال حاضر ۵/۰۰۰ پوند) در دادگاه مجستری و نامحدود در دادگاه سلطنتی است.<sup>۴۴</sup>

۳۷. لازرژ، کریستین؛ درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۱، ص ۹۰.

38. Health And Safety At Work Act 1974 (HSWA).

39. General Duties.

40. Matthews, Richard, Blackstone's Guide To The Corporate Manslaughter And Corporate Homicide University Press, 1st edn., London, Oxford University Press, 2008, P. 105.

41. H S W A, S 33 (1) (a).

42. Management Health And Safety At Work Regulations 1999.

43. Matthews, Richard, Op. Cit., PP. 107-108.

44. H S W A, S 33 (1) (c).

قانون‌گذار ایرانی نیز با هدف ارتقاء سلامت و ایمنی تکالیفی را در قوانین مختلف بر کارفرمایان و از جمله اشخاص حقوقی تحمیل و برای آن ضمانت اجرا نیز قرار داده است. برای نمونه در فصل چهارم قانون کار مصوب ۱۳۶۹ در مواد ۸۵ تا ۹۵ کارفرمایان مکلف به حفاظت فنی و بهداشت کار شده‌اند و ضمانت اجرای نقض آن نیز در مواد ۱۷۱ تا ۱۸۶ پیش‌بینی شده است. در قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷ نیز تکالیفی بر عهده اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی گذاشته شده است و برای آن ضمانت اجرا از قبیل تعطیل مؤسسه، ضبط اموال مؤسسه، جریمه نقدی، نصب پارچه در محل و معرفی از رسانه‌های گروهی برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است.<sup>۴۵</sup> با این وجود مسئولیت اشخاص حقوقی در موارد یادشده طبع انضباطی دارد. زیرا جرائم مقرر در قانون اخیرالذکر از نوع جرائم با مسئولیت مطلق است.<sup>۴۶</sup>

مسئولیت انضباطی اشخاص حقوقی عملاً قادر به انعکاس ارزش حیات بشر نبوده و فاقد اختیارات لازم در واکنش به جرائم قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی است. زیرا، اولاً: هدف حقوق انضباطی بر مبنای اصل رفاه عمومی بازدارندگی است و سزادهی در درجه دوم از اهمیت قرار می‌گیرد و از این‌رو در طبقه قوانین رفاهی متضمن شبه جرائمی است که در طبقه جرائم ناقص با مسئولیت مطلق قرار می‌گیرند.<sup>۴۷</sup> بنابراین مسئولیت اشخاص حقوقی در برابر این جرائم نیاز به اثبات وقوع مرگ یا صدمه و نیز رکن معنوی ندارد. به عبارت دیگر صرف قصور در ایمن‌سازی متعارف محیط کار کافی خواهد داد. در این صورت به نظر می‌رسد که حقوق انضباطی مرگ یا صدمه‌ای که رخ می‌دهد را

۴۵. نگاه کنید به مواد ۱، ۲، ۳، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۶ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷.

۴۶. میرمحمد صادقی، حسین؛ همان، ص ۲۲۹.

۴۷. عبدالهی، اسماعیل؛ مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی انگلستان و ایران، پایان‌نامه مقطع دکترا حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶-۱۳۸۵، ص ۳.

کم اهمیت می‌شمارد. به علاوه قتل و صدمات بدنی از جرائم واقعی مقید به نتیجه مجرمانه و نیازمند رکن معنوی‌اند و از این‌رو تعقیب و مجازات آن در حقوق انضباطی ممکن نیست. ثانیاً، حقوق انضباطی غالباً متضمن مجازات جریمه مالی و فاقد قدرت بازدارندگی لازم می‌باشد. نرخ متوسط محکومیت اشخاص حقوقی به جریمه مالی نیز بسیار ناچیز است.<sup>۴۸</sup> این وضعیت در حقوق ایران از جهت دیگر نیز قابل توجه است. چه آنکه در ماده ۱۸۴ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مقرر گردیده است: «در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد مسئولیت آن اعم از حبس، جریمه نقدی متوجه مدیر عامل یا مدیر مسئول شخصیت حقوقی است».

## ۲.۱.۲. مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی

الزام شخص به جبران خسارت دیگری را مسئولیت مدنی گویند.<sup>۴۹</sup> در حقوق انگلستان از مسئولیت مدنی به شبه جرم تعبیر می‌شود و مشتمل بر خطاهای مدنی است که از فعل زیان‌بار ناشی می‌شود.<sup>۵۰</sup> مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی عموماً تحت عنوان مسئولیت کارفرما در حقوق انگلستان و ایران مطرح شده است و اشخاص حقوقی در برابر هر گونه خسارتی که به دیگران وارد نمایند ملزم به جبران می‌باشند.<sup>۵۱</sup> با این وجود

۴۸. برای نمونه کمپانی (Transco) به خاطر نقض ماده سه قانون سلامت و ایمنی حین کار به بالاترین رقم جریمه در آن زمان یعنی ۱۵ میلیون پوند محکوم شد. حال آنکه این جریمه پنج درصد سود خالص و کمتر از یک درصد گردش معاملات سالانه آن را شامل می‌شد و در نتیجه ارباب عام یا خاص ایجاد نمی‌نمود.

(See: Matthews, Richard, Op. Cit., P. 125)

۴۹. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی: الزام‌های خارج از قرارداد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۴۸.

50. Padfield, C. F., Law Made Simple, 7th edn., London, Made Simple Books, 1989, P. 191.

۵۱. کاتوزیان، ناصر؛ مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۶.

مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی نیز عملاً قادر به انعکاس ارزش حیات بشر در مواجهه با قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی نمی‌باشد. زیرا، اولاً: هدف از مسئولیت مدنی جبران خسارت فردی است و نه اعلام و حمایت از ارزش‌های اساسی جامعه. ثانیاً: مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی علاوه بر آن که منوط به وجود شخص ذی‌نفعی است که از انگیزه و ادله کافی برای اقامه دعوی برخوردار باشد، بسیار پُر هزینه، طولانی مدت، طاقت‌فرسا و بدون دورنمای موفقیت است و بسیاری از بزه‌دیدگان از توسل به آن منصرف می‌شوند. ثالثاً: مسئولیت مدنی حاوی این پیام است که جرائم همانند کالا قابل خریداری‌اند و اشخاص حقوقی با پرداخت خسارت قادر به انجام رفتار زیان‌بار خواهند بود و چه بسا هزینه مسئولیت مدنی به مراتب کمتر از هزینه اجتناب از رفتار زیان‌بار باشد.<sup>۵۲</sup> در غیر این صورت نیز می‌توان مسئولیت مدنی را بیمه نمود. به علاوه غالباً اشخاص حقوقی هزینه مسئولیت مدنی را از طریق افزایش قیمت محصولات و خدمات خود به افراد جامعه منتقل می‌نمایند.<sup>۵۳</sup> رابعاً: مسئولیت مدنی به هیچ گونه قادر به جبران کامل خسارات بزه‌دیده نیست. برای نمونه با پرداخت خسارت به شخصی که بینایی خود را از دست داده است نمی‌توان به او بینایی بخشید.

۵۲. برای نمونه در دهه ۱۹۶۰ میلادی شرکت اتومبیل‌سازی فورد اتومبیل پینتو را طراحی و تولید نمود که دارای نقص فنی در مخزن سوخت بود و سبب انفجار در اثر تصادف می‌شد. طبق برآورد شرکت فورد وجود این نقص سبب وقوع یکصد و هشتاد مرگ و به همین تعداد ایراد صدمه و نیز خسارت به دو هزار و یکصد اتومبیل در هر سال می‌گردید. این شرکت محاسبه نمود که جمعاً ملزم به پرداخت خسارت به مبلغ چهل و نه میلیون دلار خواهد بود. در عین حال هزینه رفع نقص اتومبیل مزبور بیشتر از این مبلغ بود.

(See: Tasmania Law Reform Institute, Criminal Liability Of Organizations, Issues Paper No 9, 2005, Para 303.6 Available In: <http://www.law.utas.edu.au>)

53. Beale, Sara And Safwat, Adam; What Development In Western Europe Tell Us About American Critiques Of Corporate Criminal Liability, Buffalo Criminal Law Review, 8, 2004, P. 103.

## ۲.۲. مزایای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی قادر به انعکاس ارزش حیات بشر و پیشگیری از قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی از طریق مجازات آنان می‌باشد. چه آنکه اولاً: وظیفه اصلی حقوق کیفری سرکوب اعمالی است که به نحوی ارزش‌ها، منافع و نظم عمومی را مورد تعرض قرار می‌دهند.<sup>۵۴</sup> مجازات قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی نیز ضمن جلوگیری از آنکه از افراد به عنوان سپر بلای قصور اشخاص حقوقی استفاده شود، سبب تقبیح رسمی و ایجاد لکه ننگ و اجرای عدالت کیفری می‌گردد و شخص حقوقی بزهکار با تحمل مجازات استحقاقی دین خود را در برابر زیانی که به جامعه رسانده است اداء خواهد کرد و مانع این تصور می‌شود که جرائم همانند کالای قابل خریداری‌اند.<sup>۵۵</sup> ثانیاً: مجازات اشخاص حقوقی با اهداف ارباب - بازدارندگی، اصلاح - بازپروری و ناتوان‌سازی متضمن پیشگیری یا کاهش قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی و دفاع اجتماعی خواهد بود. قدرت بازدارندگی مجازات اشخاص حقوقی مبتنی بر تحلیل‌های مختلف از جمله تحلیل اقتصادی (سود - زیان) است. ضمانت اجرای مالی سنگین با کاهش منافع حاصل از ارتکاب جرم و افزایش هزینه آن و ضمانت اجرای غیر مالی با تقلیل اعتبار تجاری اشخاص حقوقی از طریق انتشار حکم محکومیت و تهدید به اجرای مجازات از طریق صدور قرار تعلیق مجازات، علاوه بر حتمیت و جنبه تعلیمی مجازات، هدف بازدارندگی را محقق می‌نمایند. ثالثاً، اسباب حمایت از بزه‌دیده را فراهم می‌آورد. مجازات شخص حقوقی بزهکار متضمن تشفی خاطر بزه‌دیده خواهد بود و احساس رنجشی که به طور طبیعی در او ایجاد نموده است را اقناع می‌نماید. به علاوه

۵۴. کوشا، جعفر؛ کارکردهای حقوق جزا، فصلنامه دانشگاه علوم اسلامی رضوی (اللهیات و حقوق)، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۰، ص ۲۸.

55. Friedman, Lawrence; In Defense Of Corporate Criminal Liability, Harvard Journal Of Law And Public Policy, 23, 2000, P. 546.

ضمانت اجراهای کیفری همانند قرار جبران خسارت<sup>۵۶</sup> و قرار خدمت اجتماعی<sup>۵۷</sup> خسارات سنگین بزه‌دیدگان جرائم قتل و صدمات بدنی را ترمیم خواهند نمود. به ویژه آن که اشخاص حقوقی اغلب از موقعیت مناسب‌تری در جبران خسارات برخوردارند.

۳. محدودیت‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی

محدودیت‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم موضوع این نوشتار را می‌توان از دو جنبه مورد واکاوی قرار داد: نخست، محدودیت‌های جامعه‌شناختی و آنگاه محدودیت‌های حقوقی.

### ۳.۱. محدودیت‌های جامعه‌شناختی

شرایط و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی در درک عمومی از جرم، مجرم، بزه‌دیده و قلمرو قابلیت سرزنش اشخاص تأثیرگذار است. بر همین اساس نیز ممنوعیت یک رفتار ضرورتاً دلالت بر اجرای قهریه و تلقی آن به عنوان رفتاری مغایر با ارزش‌های اجتماعی در بین تمامی افراد جامعه ندارد. تفاوت‌های اخلاقی، مذهبی و طبقاتی نیز گاه‌گاه این موضوع را منعکس می‌نماید. نگرش جامعه به قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی به عنوان «حادثه»<sup>۵۸</sup> یا «قتل نامشروع»<sup>۵۹</sup> متأثر از شرایط فرهنگی - اجتماعی است. برای نمونه رویکرد گزینشی رسانه‌های گروهی در گزارش رویدادها از شیوه‌های مؤثر در ایجاد تصور از جرم، مجرم و بزه‌دیده می‌باشد. رسانه‌های گروهی گزارشات خود را بیشتر معطوف به قتل‌های

56. Compensation Order.

57. Community Service Order.

58. Accident.

59. Culpable Homicide.

خانوادگی<sup>۶۰</sup> و قتل در جریان منازعه بین افراد می‌نمایند که مجرم و بزه‌دیده آن انسان هستند. در مقابل رسانه‌های گروهی گزارش کاملی از قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی ارائه نمی‌دهند و بلکه به توصیف آماری آن بسنده می‌نمایند. بنابراین افراد جامعه تصویری از این گونه قتل و صدمات بدنی ندارند. این وضعیت به ویژه زمانی رخ می‌دهد که رسانه‌های گروهی توجه خود را معطوف به سایر جرائم اشخاص حقوقی خصوصاً کلاهبرداری می‌نمایند و قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی را به عنوان «حادثه» معرفی می‌کنند. واژه حادثه تلویحاً دلالت بر اجتناب‌ناپذیر بودن آن دارد و بنابراین قابل مقایسه با قتل و صدمات بدنی نامشروع و قابل سرزنش نخواهد بود.<sup>۶۱</sup>

به علاوه تاریخ عدالت کیفری نیز ریشه در کنترل انحرافات طبقه کارگر و فرودست دارد و موجب این توهم شده است که رفتارهای خطرناک ناشی از رفتار این طبقه است و حقوق کیفری نیز به عنوان ابزار انتساب مسئولیت به اشخاص در این طبقه و نه اشخاص حقوقی که دارای پایگاه اجتماعی والا می‌باشند، رشد یافته است. قدرت اشخاص حقوقی و نیاز جامعه به آنان نیز در این طرز تلقی مؤثر بوده است. هنگامی که اشخاص حقوقی یا دولت مرتکب جرمی می‌شوند به لحاظ خدماتی که به جامعه ارائه و رفاه اجتماعی را ایجاد می‌نمایند، تمایلی به مجازات آن‌ها وجود ندارد و ترجیح داده می‌شود که همچنان یک فرد در جایگاه متهم در دادگاه قابل سرزنش شناخته شود.<sup>۶۲</sup>

با این وجود تغییرات فرهنگی - اجتماعی که هم اکنون در جوامع مدرن رخ داده است انتساب قتل و صدمات بدنی به اشخاص حقوقی را ممکن ساخته است. سه مرحله نام-

60. Domestic Tiff.

61. Morgan, Derek; Quick, Oliver And Wells, Celia; Disaters: A Challenge For The Law, Washburn Law Journal, 39, 2000, P. 499

62. Wells, Lydia; The Attribution Of Criminal Responsibility To Corporations For The Offence Of Corporate Manslaughter, Thesis, phd, Murdoch University, 2005, PP. 26-27



گذاری<sup>۶۳</sup> سرزنش<sup>۶۴</sup> و ادعا<sup>۶۵</sup> در این زمینه مؤثر است. رشد فناوری سبب ایجاد مخاطرات کاملاً متفاوت شده است و آگاهی ما از آن با انتشار اخبار فجایع از طریق رسانه‌های گروهی افزایش یافته است. مرز میان فجایع طبیعی و ناشی از رفتار انسان به شدت مورد تردید واقع شده است. در مرحله نام‌گذاری تصدیق می‌شود که فجایع نتیجه توسعه فناوری و فراتر از حوادث طبیعی غیر مترقبه‌اند. توسعه صنعتی و روابط پیچیده افراد با یکدیگر دلالت بر این دارند که قلمروهای روبه‌رو رشد زندگی انسان در کنترل افراد نمی‌باشند؛ درک رفتار سیستم مدار اشخاص حقوقی به تدریج جایگزین این تصور شده است که افراد مستقلاً رفتار می‌نمایند.<sup>۶۶</sup> چه آنکه درک رفتار افراد اغلب مشروط به درک بستر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که در آن شکل گرفته است. افراد در خلاء رفتار نمی‌نمایند بلکه رفتار آن‌ها متأثر از ارتباط با گروه‌های اجتماعی از جمله اشخاص حقوقی است که زمینه وقوع آن را فراهم می‌آورند<sup>۶۷</sup> و موجب گسترش قابلیت سرزنش از افراد به اشخاص حقوقی می‌شوند (مرحله سرزنش). متأثر از متغیرهای یاد شده حقوق کیفری نیز مسئولیت در برابر فجایع را به اشخاص حقوقی نسبت خواهد داد. به عبارت دیگر زمانی که کنترل و اجتناب‌پذیری خطرات به عنوان مبنای سرزنش شناخته شد، گرایش به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر فجایعی که پیش از آن به عنوان حادثه شناخته می‌شد قابل درک گردید (مرحله ادعا).<sup>۶۸</sup>

63. Naming

64. Blaming

65. Claiming

66. Morgan, Derek; Quick, Oliver And Wells, Celia, Op. Cit., PP. 499-502

67. Ashworth, Andrew, Principles Of Criminal Law, 3rd edn., Oxford, Oxford University Press, 1999, PP. 120-121

68. Morgan, Derek, Quick, Oliver And Wells, Celia, Op. Cit., 499-502

## ۳.۲. محدودیت‌های حقوقی

مسئولیت کیفری ناشی از تقارن ارکان مادی و معنوی است. رکن مادی به معنای رفتار مجرمانه و شرایط و اوضاع و احوال مادی است.<sup>۶۹</sup> رکن معنوی نیز به معنای وجود تفکر مجرمانه برای احراز تقصیر اخلاقی است.<sup>۷۰</sup> در انتساب ارکان مادی و معنوی قتل و صدمات بدنی به اشخاص حقوقی محدودیت‌هایی وجود دارد که جداگانه تشریح می‌گردد.

### ۳.۲.۱. محدودیت در انتساب رکن مادی قتل و صدمات بدنی

در حقوق کیفری انگلستان از قتل به کشتن یک انسان توسط دیگری تعریف شده است.<sup>۷۱</sup> بر همین اساس نیز این ادعا وجود دارد که اشخاص حقوقی قادر به ارتکاب قتل نمی‌باشند.<sup>۷۲</sup> در حقوق کیفری ایران نیز هر چند تعریف قانونی از قتل نشده است برخی حقوق دانان معتقدند که جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص توسط انسان علیه یک انسان دیگر قابل ارتکاب است.<sup>۷۳</sup>

وجود شرط سببیت نیز در انتساب رکن مادی قتل و صدمات بدنی به اشخاص حقوقی ایجاد محدودیت می‌نماید. رابطه سببیت در رکن مادی ریشه دارد و واسطه‌ای است که فعل و نتیجه جرم را به هم پیوند می‌دهد.<sup>۷۴</sup> ملاک کلی احراز رابطه سببیت صدق عرفی

۶۹. نوربها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، دادآفرین، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲.

70. Jefferson, Michael, Op. Cit., PP. 146-147.

71. Brown, W. J. ; G C S E Law, London, Sweet & Maxwell, 1989, P. 177.

72. Rosner, David; When Does A Worker's Death Become Murder? American Journal Of Public Health, 90, 2000, P. 535.

۷۳. میر محمد صادقی، حسین؛ همان، ص ۵۹. آقایی‌نیا، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی: جرائم علیه

اشخاص، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص ۲۰.

۷۴. نجیب حسینی، محمود؛ رابطه سببیت در حقوق کیفری، ترجمه علی عباس‌نای زارع، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵، ص ص ۸۵-۸۳.

انتساب نتیجه مجرمانه مرگ یا صدمه بدنی به رفتار متهم است. ضابطه عرف نیز اقوی بودن سبب است و لازم ندارد رفتار متهم یگانه عامل یا عامل مستقیم نتیجه مجرمانه باشد.<sup>۷۵</sup> در قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی زنجیره‌ای از مسئولیت علی وجود دارد که صراحتاً در حقوق کیفری پذیرفته نشده است. بر همین اساس نیز توضیحات سستی رابطه سببیت اغلب از فردی شروع می‌شود که مواجه با اتهام است و همه آنچه که اهمیت دارد نقش علی همان فرد است و اهمیتی ندارد که این نتیجه ممکن است ناشی از عوامل دیگر باشد.<sup>۷۶</sup> در واقع حقوق کیفری با الهام از قضاوت‌های علی متعارف از میان علل و شرایط مؤثر در پیدایش جرم، با رویکرد تک سبب بینی علیتی، صرفاً عامل انسانی به عنوان علت انتخاب می‌گردد. به این جهت است که بر اساس اصل آزادی فردی، در قلمرو حقوق انسان‌ها در اکثر موضوعات علیتی نقش پادشاه دارند و بر همین اساس از نظر جزایی عملکرد آزادانه و اختیاری انسان به عنوان علت انحصاری صدمه‌ای که آن عملکرد فقط جزئی از شرایط تحقق آن صدمه است محسوب می‌شود و به عنوان علت فاعلی جرم مخاطب قرار می‌گیرد.<sup>۷۷</sup> با این وجود دلایل قانع کننده‌ای برای تبرئه فاعل علی مستقیم به هنگامی که رفتار او تنها بازده سیاست شخص حقوقی است وجود دارد. چه آنکه در فجایع قتل و صدمات بدنی هم عوامل فردی و آشکار و هم عوامل نهفته در ساختار اشخاص

۷۵. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ باب‌های پنجم، ششم، هفتم و هشتم کتاب چهارم به صورت مصداقی به موضوع سببیت اشاره دارد. ماده‌ی ۳۶۳ قانون مذکور نیز بر معیار اقوی بودن سبب تصریح نموده است. در حقوق کیفری انگلیس نیز رابطه سببیت مرتکب از سبب واقعی و قانونی است. سبب آنگاه واقعی است که رفتار متهم شرط ضروری نتیجه باشد و آنگاه قانونی است که رفتار متهم نقش مهم در ایجاد نتیجه مجرمانه داشته باشد.

See: Elliott, Catherine And Quinn, Frances, Criminal Law, 3rd edn., London, Longman, 2000, PP. 41-42

76. Wells, Celia, Op. Cit., PP. 50-51.

۷۷. طاهری نسب، یزدالله؛ مطالعه تطبیقی رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، پایان‌نامه مقطع دکترا حقوق جزای و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۴۸.

حقوقی سهمیم هستند. عوامل فردی و آشکار خطاهایی‌اند که افراد در خط مقدم مرتکب می‌شوند. عوامل نهفته خطاهای سیستم است که کمتر مورد توجه حقوق کیفری در احراز رابطه سببیت قرار گرفته است؛ حال آنکه رابطه سببیت را تنها به صورت غیر واقعی می‌توان در افراد بدون توجه به جایگاه آن‌ها در ساختار اجتماعی احراز نمود. بنابراین رابطه سببیت را نمی‌بایست بر یک مبنای فردگرایانه جستجو نمود.

### ۲.۲.۳. محدودیت در انتساب رکن معنوی قتل و صدمات بدنی

مطابق اصل رکن معنوی<sup>۷۸</sup> یک رفتار فی نفسه جرم تلقی نمی‌شود مگر آن که با تفکر مجرمانه انجام شده باشد<sup>۷۹</sup> اصل یادشده مبتنی بر دو اصل استقلال فردی و عقلانیت است که تنها بر انسان صدق می‌نماید. بر همین اساس نیز وقتی ما قاتل یا ضاربی را تصور می‌نماییم بلافاصله یک انسان متبادر به ذهن می‌شود. چه آنکه رکن معنوی جرائم قتل و صدمات بدنی برحسب مورد قصد، بی‌احتیاطی یا غفلت است که صرفاً در «ذهن»<sup>۸۰</sup> شکل می‌گیرد و اشخاص حقوقی به عنوان موجودات ساختگی از آن برخوردار نبوده و نمی‌توانند مرتکب این گونه جرائم با تفکر مجرمانه شوند. چنین نگرشی مبتنی بر دیدگاه فرضی بودن اشخاص حقوقی است.<sup>۸۱</sup> مطابق این دیدگاه اشخاص حقوقی چیزی بیش از مجموعه‌ای از اشخاص طبیعی نمی‌باشند و از این رو فاقد هر گونه شخصیت متافیزیکی یا اخلاقی‌اند. این دیدگاه مبتنی بر نظریه اصالت فرد است. در مقابل آن دیدگاه واقعی بودن اشخاص حقوقی<sup>۸۲</sup> است که مطابق با آن اشخاص حقوقی را دارای وجودی مستقل از

78. Rule Of Mens Rea.

79. Elliott, Catherine And Quinn, Frances, Op. Cit., P. 12.

80. Mind.

81. Atomic View.

82. Organic View.

اشخاص طبیعی می‌شمارد. این دیدگاه مبتنی بر نظریه اصالت جمع است که برای افراد طبیعی پیش از وجود اجتماع هیچ هویتی قائل نیست.

تئوری‌های سازمان در مفهوم مضیق آن (تئوری تصمیم‌سازی اشخاص حقوقی) با تأیید واقعیت وجودی اشخاص حقوقی، دو دیدگاه مدیریت علمی<sup>۸۳</sup> و روابط انسانی<sup>۸۴</sup> را با هم ترکیب می‌نماید. در دیدگاه مدیریت علمی از اعضاء شخص حقوقی به همانند ابزاری برای رسیدن به اهداف آن استفاده می‌شود. در دیدگاه روابط انسانی افراد اجازه نخواهند داد از آن‌ها به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف شخص حقوقی استفاده شود. در واقع مطابق تئوری‌های سازمان بین افراد و شخص حقوقی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. بیان دو مدل از مجموعه تئوری‌های سازمان در این زمینه مفید است: مطابق مدل فرآیند فعالیت سازمانی<sup>۸۵</sup> فعالیت اشخاص حقوقی مبتنی بر تخصصی بودن وظایف است و مسئولیت بین تمامی اعضاء توزیع می‌گردد و همگی در آن سهم خواهند بود و رفتار شخص حقوقی قابل تنزل یا انتساب به هیچ فردی که مسئولیت کامل داشته باشد نخواهد بود. تصمیماتی که مطابق این مدل اتخاذ می‌شود نیز تصمیمات شخص حقوقی است و تلاش برای انتساب آن به یک فرد معین بی‌نتیجه خواهد بود. مطابق مدل سیاست‌های بوروکراتیک<sup>۸۶</sup> نیز تصمیم‌سازی اشخاص حقوقی پیامد مذاکره میان یک مجموعه از افرادی است که برای دستیابی به توافق نظر از برخی خواسته‌های خود به ناچار چشم‌پوشی می‌نمایند و از این رو تصمیمات شخص حقوقی قابل انتساب به یک فرد معین نخواهد بود.<sup>۸۷</sup>

دو مدل یادشده دلالت بر این دارند که اشخاص حقوقی دارای شخصیت مستقل از اعضاء خود می‌باشند و با وجود تغییر اعضاء به حیات خود ادامه می‌دهند. با این وجود

83. Scientific Management.

84. Human Relations.

85. Organizational Process Model.

86. Bureaucratic Politics .

87. Wells, Celia, Op. Cit., PP. 151-155.

ماهیت متفاوت اشخاص حقوقی مستلزم آن است که معیار انتساب رکن معنوی جرائم قتل و صدمات بدنی به آن‌ها نیز متفاوت باشد. اشخاص حقوقی فاقد «ذهن» به همانند انسان می‌باشند و بنابراین تأکید بر قصد مجرمانه به عنوان پیش شرط تقصیر کیفری مانع انتساب مسئولیت کیفری آنان در برابر جرائم یادشده خواهد بود. در واقع ماهیت متمایز اشخاص حقوقی مستعد پذیرش خطای کیفری به عنوان پیش شرط تقصیر کیفری است و خطای کیفری نیز مشتمل بر بی‌احتیاطی و غفلت است و مطابق ضابطه عینی و ملاک قراردادن رفتار شخص متعارف از ایده حالات ذهنی یا نهفته اجتناب می‌نماید و اشخاص حقوقی را صرفاً در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی غیر عمد واجد مسئولیت کیفری می‌شناسد. در حقوق کیفری انگلستان نیز اشخاص حقوقی صرفاً به اتهام قتل غیر عمد ناشی از غفلت شدید<sup>۸۸</sup> قابل تعقیب کیفری شناخته شده‌اند. ضابطه تقصیر در این نوع قتل عینی است و غفلت متهم هنگامی احراز خواهد شد که رفتار آن از رفتار اشخاص متعارف در شرایط مشابه فاصله زیادی داشته باشد و متضمن آنچنان خطر شدید مرگ باشد که مستحق مجازات گردد.<sup>۸۹</sup>

#### ۴. مدل‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی

تصور آنکه میان اشخاص حقوقی و حقیقی هیچ تفاوتی وجود ندارد نادرست است و باعث ناکامی در ایجاد مدلی از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خواهد شد که معقول و مفید باشد. اشخاص حقوقی همانند اشخاص طبیعی نیستند؛ اما این تفاوت مانع مسئولیت اخلاقی و کیفری آنان نخواهد بود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌بایست مبتنی بر مدلی باشد که با واقعیات وجودی آنان تناسب داشته باشد و در عین حال اجازه ندهد که

88. Gross Negligence Manslaughter.

89. R V. Adomako [1994]3 WLR 288.

پارلمان قصد اعمال مسئولیت جانشینی را نسبت به آن‌ها داشته باشد بسیار ضعیف است.<sup>۹۰</sup> بر همین اساس نیز در سال ۱۹۲۷ اتهام شرکت به قتل غیر عمد پذیرفته نشد.<sup>۹۱</sup>

نتایج ناعادلانه مسئولیت جانشینی اشخاص حقوقی به عنوان یک نوع مسئولیت اشتقاقی<sup>۹۲</sup> مهم‌ترین دلایل مخالفت با آن در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی است. چه آنکه مسئولیت یادشده منوط به احراز مسئولیت فردی است و شخص حقوقی تنها به هنگامی در برابر رفتار مستخدمان خود مسئول است که در حیطه کار آنان رُخ داده باشد. این وضعیت به نوبه خود به توسیع و تحدید ناروای آن می‌انجامد. زیرا به رغم آنکه ممکن است شخص حقوقی بی‌تقصیر باشد، در برابر رفتار مجرمانه مستخدمان خود که مغایر با سیاست شخص حقوقی است، مسئول شناخته خواهد شد. وانگهی عدم احراز مسئولیت فردی، شخص حقوقی را علی‌رغم تقصیر در اتخاذ سیاست‌های متضمن رفتار مجرمانه از مسئولیت می‌رهاند.<sup>۹۳</sup> به علاوه مسئولیت جانشینی در مفهوم واقعی آن مانع از مسئولیت فردی است. چه آنکه مفهوم دقیق مسئولیت جانشینی آن است که مسئولیت شخص حقوقی جایگزین مسئولیت مستخدم می‌گردد. در واقع مسئولیت جانشینی متأثر از دیدگاه فرضی بودن اشخاص حقوقی است که به هیچ وجه با واقعیات وجودی اشخاص حقوقی تناسبی ندارد و قادر به انعکاس قابلیت سرزنش آن‌ها مستقل از اشخاص حقیقی نمی‌باشد. بنابراین علی‌رغم آن که در پیش‌نویس ماده ۶-۱۳۳ لایحه قانون مجازات اسلامی مدل مسئولیت جانشینی اشخاص حقوقی در برابر جرائم متضمن مجازات‌های مالی و محرومیت از حقوق پذیرفته شده است، نتایج ناعادلانه آن اصلاح آن را اقتضاء دارد.

90. Crabtree, Maryjane; Corporate Culpability For Industrial Manslaughter: Finding The Soul Of The Australian Corporation, Australian Business Law Review, 22, 1994, P. 377.

91. R V. Cory Bros [1927]1 KB 810.

92. Derivative Liability.

93. Wells, Lydia, Op. Cit., PP. 42-43.

## ۲.۴. مسئولیت مستقیم اشخاص حقوقی<sup>۹۴</sup>

دادگاه‌های انگلستان از دهه ۱۹۴۰ میلادی شروع به پذیرش مسئولیت مستقیم اشخاص حقوقی مطابق تئوری برابرنگاری<sup>۹۵</sup> در دعاوی کیفری نمودند.<sup>۹۶</sup> به موجب این تئوری مدیران عالی با داشتن قدرت تصمیم‌سازی و کنترل کامل شخص حقوقی نه صرفاً نمایندگان و بلکه تجسم شخص حقوقی‌اند و رفتار و تفکر مجرمانه آنان برابر با رفتار و تفکر مجرمانه شخص حقوقی است. این تئوری نخست توسط لُرد « هالدن»<sup>۹۷</sup> در یک پرونده مدنی مطرح شد: «یک شرکت یک موجود انتزاعی است. یک شرکت به همان-گونه که جسم ندارد، فی‌نفسه ذهن هم ندارد. بنابراین اراده فعالیت و کنترل شرکت را می‌بایست در شخصی جستجو نمود که بنابه اهدافی ممکن است نماینده نامیده شود، بلکه شخصی که واقعاً ذهن و اراده کنترل‌کننده، هویت و هسته اصلی شخصیت شرکت است. این شخص ممکن است تحت هدایت سهامداران در مجمع عمومی یا خود هیأت مدیره باشد. شخصی که تقصیر یا آگاهی وی صرفاً تقصیر یا آگاهی شخصی نیست که مستخدم یا نماینده‌ای باشد که شرکت بر اساس مسئولیت مافوق در برابر آن مسئول باشد، بلکه شخصی است که شرکت در برابر اعمال او مسئول است چون عمل او دقیقاً عمل خود شرکت است».<sup>۹۸</sup>

لُرد «دنینگ»<sup>۹۹</sup> نیز در پرونده‌ای مدنی می‌گوید: «یک شرکت ممکن است به شیوه‌های مختلف به یک انسان تشبیه شود. یک شرکت دارای مغز و سیستم عصبی است

94. Corporate Primary Liability .

95. Identification Theory .

96. DPP V. Kent And Sussex Contractors Ltd [1944] KB 146; R V. ICR Haulage [1944] 30 C. APP. REP. 31; Moore V. Bresler [1944] 2 All ER 515.

97. Viscount Haldane.

98. Lennards Carrying Co V. Asiatic Petroleum [1915] Ac 713.

99. Denning.



که اعمال آن را کنترل می‌کند. همچنین دارای دست‌هایی است که ابزار را نگه می‌دارد و مطابق دستورات سیستم عمل می‌نماید. برخی افراد در شرکت مستخدمین و نمایندگانند که صرفاً دست‌هایی برای انجام وظایف‌اند و نمی‌توان آن‌ها را نمایانگر ذهن و اراده شرکت شناخت. برخی دیگر مدیرانی‌اند که نمایانگر ذهن و اراده شرکت هستند و اعمال شرکت را کنترل می‌کنند. حالت روانی آن‌ها، حالت روانی شرکت است و قانون نیز با آن‌ها به همین شیوه برخورد می‌کند.<sup>۱۰۰</sup>

از تئوری برابرنگاری در رأی مجلس اعیان در پرونده کیفری شرکت تسکو به شدت حمایت شد. گرد «رید»<sup>۱۰۱</sup> تصریح نمود: «یک شخص زنده دارای ذهن است و می‌تواند علم، قصد یا غفلت داشته باشد. او دارای دست‌هایی است که به کمک آن به نیت خود جامه عمل می‌پوشاند. یک شرکت هیچ یک از این خصایص را ندارد. شرکت باید از طریق اشخاص زنده عمل کند. بنابراین شخصی که عمل می‌کند، برای شرکت صحبت و عمل نمی‌کند، او همانند شرکت عمل می‌کند و ذهن او که اعمالش را کنترل می‌کند، ذهن شرکت است. در اینجا مسئولیت جانشینی شرکت مطرح نیست. او همانند یک مستخدم، نماینده یا وکیل عمل نمی‌کند. او تجسم شرکت و ذهن او ذهن شرکت و تقصیر او تقصیر شرکت است».<sup>۱۰۲</sup>

مجلس اعیان در پرونده شرکت تسکو تئوری برابرنگاری را به تمامی مدیران و کسانی که مطابق دستور مدیران مافوق از برخی اختیارات مدیریتی برخوردارند قابل اعمال نمی‌شناسد و بلکه تنها به مدیرانی قابل اعمال می‌داند که در سلسله مراتب اداری در موقعیتی باشند که تصمیمات و رفتار آن‌ها ناشی از دستورات مافوق نباشد و معمولاً هیأت

100. H. L. Bolton (Engineering) Co Ltd V. T. J. Graham And Sons [1957] 1 QB 159 At 172.

101. Reid.

102. Tesco Supermarkets Ltd V. Nattras [1972] Ac 153.

مدیر، مدیر عامل و دیگر مدیران عالی‌رتبه که در اتخاذ سیاست‌های شرکت و نه صرفاً اجرای آن اختیار کامل دارند را شامل می‌شود.<sup>۱۰۳</sup>

با پذیرش مسئولیت مستقیم طبق قاعده برابرنگاری، تعقیب کیفری اشخاص حقوقی به اتهام قتل غیر عمد، به ویژه پس از فاجعه واژگونی کشتی هرالند در سال ۱۹۸۷ گسترش یافت. شرکت P&O و هفت نفر از پرسنل آن در پی این فاجعه که منجر به کشته شدن یکصد و هشتاد و هشت نفر گردید به اتهام قتل غیر عمد تحت تعقیب قرار گرفتند. قاضی «بینهام»<sup>۱۰۴</sup> در این پرونده اظهار داشت: «در مواردی که شرکت توسط یکی از مدیران که ذهن کنترل‌کننده شرکت به شمار می‌آید و مرتکب عملی می‌شود که واجد شرایط قتل غیر عمد است ایراد اتهام قتل غیر عمد به آن شرکت امکان‌پذیر است».<sup>۱۰۵</sup> در این پرونده پذیرفته شد که چنانچه این فاجعه ناشی از تقصیر اخلاقی برخی مدیران عالی‌رتبه شرکت باشد تردیدی وجود ندارد که شرکت در برابر اتهام قتل غیر عمد واجد مسئولیت کیفری است. با این وجود در میان هفت متهم این پرونده فردی یافت نشد که از آنچنان موقعیت عالی برخوردار باشد که رفتار و حالات ذهنی او قابل انتساب به شرکت شناخته شود و سرانجام شرکت از اتهام قتل غیر عمد تبرئه گردید. مشابه این وضعیت را می‌توان در مورد سایر شرکت‌هایی که به اتهام مذکور تحت تعقیب قرار گرفتند نیز مشاهده نمود. در نتیجه اشخاص حقوقی صرفاً به پرداخت جریمه نقدی مطابق ماده ۳ قانون سلامت و ایمنی حین کار ۱۹۷۴ محکوم گردیده<sup>۱۰۶</sup> و از بابت اتهام قتل غیر عمد محکومیت نیافتند. مهم‌ترین

103. Clough, Jonathan, The Prosecution Of Corporations, Thesis, phd., Monash University, 2004, P. 113.

104. Bingham.

105. R V. P&O European Ferries (Dover) Ltd. [1991] 93 Cr APP R 72, 84 .

۱۱۱. محکومیت شرکت «جی وی تی» به یک و نیم میلیون پوند در پی هفت کشته و پنجاه مصدوم در سانحه ریلی ۱۹۹۷ و نیز شرکت «ترنسکو» به ده میلیون پوند در پی چهار کشته در اثر انفجار گاز و شرکت

دلیل آن مضییق بودن مدل مسئولیت مستقیم طبق قاعدهٔ برابرانگاری است که بیانگر ساختار سلسله مراتبی غیر معمولی است که اختیارات شخص حقوقی تنها توسط مدیرانی قابل اجرا است که در رأس آن قرار دارند و با ساختار نوین و غیر متمرکز اشخاص حقوقی و اختیارات قابل توجهی که به مدیران سطوح میانی تفویض می‌شود تناسبی ندارد. صرف نظر از آن مدل یادشده از نوع مسئولیت اشتقاقی و منوط به احراز مسئولیت فردی است و همانند مسئولیت جانشینی به توسیع و تحدید ناعادلانه آن می‌انجامد. زیرا به رغم آن که ممکن است شخص حقوقی بی‌تقصیر باشد رفتار مجرمانهٔ مدیران ارشد قابل انتساب به شخص حقوقی است و عدم احراز مسئولیت مدیران ارشد نیز سبب اجتناب شخص حقوقی مقصر از مسئولیت می‌گردد. به علاوه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مطابق این مدل با مسئولیت فردی قابل جمع نخواهد بود. در واقع این مدل نیز متأثر از دیدگاه فرضی بودن اشخاص حقوقی است و ماهیت واقعی و قابلیت سرزنش اشخاص حقوقی را مستقل از مستخدمان آن منعکس نمی‌نماید.

### ۳.۴. مسئولیت مبتنی بر تقصیر جمعی

مدل مسئولیت مبتنی بر تقصیر جمعی متفاوت از مسئولیت جانشینی و مستقیم طبق قاعده برابرانگاری می‌باشد. مطابق این مدل مجرمیت اشخاص حقوقی منوط به شناسایی فرد معین که در برابر جرم مسئولیت کامل داشته باشد نخواهد بود. به عبارت دیگر لازم نیست تمامی عناصر مادی و معنوی جرم قابل انتساب به شخص حقوقی در یک فرد تحقق

«بالفور» به ده میلیون پوند در پی چهار کشته و یکصد و دو مصدوم در سانحهٔ ریلی ۲۰۰۰ از نمونه‌هایی است که صرفاً به خاطر نقض قانون سلامت و ایمنی حین کار محکومیت انضباطی یافته‌اند.

(R V. Great Western Trains Company Ltd (Unreported) Central Criminal Court, 1999; R V. Transco Plc [2006] EWCA Crim 838; R V. Balfour Beatty Rail Infrastructure Service Ltd [2006] EWCA Crim 1586).

یابد. در این مدل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از ترکیب رفتار و حالات روانی افراد متعدد ناشی می‌شود. لذا چنانچه از ترکیب رفتار و حالت روانی اعضاء شخص حقوقی غفلت منتهی به قتل یا صدمه بدنی احراز گردد، قابل انتساب به شخص حقوقی خواهد بود.<sup>۱۰۷</sup> با این وجود دادگاه‌های انگلستان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی غیر عمد مطابق این مدل را پذیرفته‌اند. در پرونده شرکت P&O به اتهام قتل غیر عمد این استدلال که می‌توان غفلت برخی مدیران شرکت را با هم ترکیب نمود تا اساس تقصیر شرکت را تشکیل دهد، پذیرفته نشد. قاضی «بینگهام» در رد این استدلال اظهار داشت: «یک ادعا علیه یک متهم نمی‌تواند به واسطه ادعا علیه متهم دیگر تقویت شود. ادعا علیه شرکت تنها از طریق ادله‌ای که به نحو مناسب متوجه شرکت باشد و تقصیر شرکت را ثابت نماید قابل اقامه می‌باشد».<sup>۱۰۸</sup>

در پرونده شرکت «جی وی تی» نیز قاضی «اسکت بکر»<sup>۱۰۹</sup> ترکیب غفلت اعضاء برای ایجاد ذهن و اراده کنترل کننده شرکت را به عنوان یکی از طرق ممکن برای تعقیب کیفری شرکت مذکور مورد ملاحظه قرار داد، با این وجود خاطرنشان ساخت که استفاده از این شیوه مناسب نیست.<sup>۱۱۰</sup>

هر چند ایده مسئولیت ناشی از تقصیر جمعی از آن جهت که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را منوط به ارتکاب رفتار مجرمانه با حالات ذهنی لازم توسط یک فرد معین نمی‌شناسد دارای اهمیت است، لیکن همچنان مستلزم تقصیر مجموعه‌ای از افراد و نه

107. Khanna, V.; Is The Notion Of Corporate Fault A Faulty Notion? The Case Of Corporate Mens Rea, Boston University Law Review, 79, 1999, P. 371.

108. R V. H. M. Corner For East, Ex Parte Spooner [1989] 88 Ct. APP. R. 10 At 16-17.

109. Scott – Baker.

110. Edwards, Robin; Corporate Killers, Australian Journal Of Corporate Law 1, 13, 2001, PP. 242-243.

شخص حقوقی به عنوان یک وجود مستقل است. بنابراین در درستی این ایده که بتوان حالات ذهنی اعضاء شخص حقوقی را با هم ترکیب نمود و از طریق آن شرکت را به عنوان یک موجود کلی و مستقل مسئول شناخت می‌توان تردید نمود. در واقع مدل مسئولیت مبتنی بر تفصیر جمعی با الهام از دیدگاه فرضی بودن اشخاص حقوقی یک نوع مسئولیت اشتقاقی است و قادر به انعکاس ماهیت واقعی و قابلیت سرزنش اخلاقی اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی نمی‌باشد.

#### ۴. ۴. مسئولیت مبتنی بر فرهنگ شخص حقوقی

فرهنگ شخص حقوقی<sup>۱۱۱</sup> نمایانگر شخصیت اشخاص حقوقی و نیروی پنهانی است که توان متحدالشکل نمودن فعالیت آن‌ها را دارد. فرهنگ شخص حقوقی از نیروهای نامشهودی مانند ارزش‌ها، باورها، مفروضات، پنداشت‌ها، برداشت‌ها و هنجارهای رفتاری تشکیل می‌شود. این نیرو قابل رؤیت نیست ولی مبنای فعالیت‌های قابل مشاهده اشخاص حقوقی است.<sup>۱۱۲</sup> فرهنگ شخص حقوقی دلالت بر این دارد که شخص حقوقی دارای شخصیت مستقل از اعضاء آن می‌باشد و با تغییر اعضاء، شخصیت حقوقی تغییر نمی‌یابد،<sup>۱۱۳</sup> مسئولیت اخلاقی و کیفری اشخاص حقوقی را نیز می‌توان در فرهنگ آن‌ها جستجو نمود. مجموعه قانون کیفری ۱۹۹۵ فدرال استرالیا<sup>۱۱۴</sup> مشتمل بر مقرراتی است که برای نخستین بار

111. Corporate Culture.

۱۱۷. شفریتز، جی‌ام و استیون، اوت. ج؛ تئوری سازمان‌ها: اسطوره‌ها، ترجمه علی پارسائیان، جلد دوم، تهران، کتاب فرزانه، ۱۳۷۸، ص ۵۴۵؛ همچنین نگاه کنید به: دیویس، استانی.ام؛ مدیریت فرهنگ سازمان، ترجمه ناصر میرسپاسی و پریچهر معتمد گرجی، تهران، آراین، ۱۳۷۳، ص ۵؛ هیچ، ماری جو؛ تئوری سازمان: مدرن، نمادین و تفسیری پست مدرن، ترجمه حسن دانایی‌فرد، جلد ۱-۲، تهران، افکار، ۱۳۸۵، ص ۳۲۷.

113. Tasmania Law Reform Institute, Op. Cit., P. 17.

114. Criminal Code Act 1995 (Cth).

در جهان مسئولیت کیفری مبتنی بر فرهنگ شخص حقوقی را منعکس می‌نماید.<sup>۱۱۵</sup> در مجموعه قانون یادشده مقرر گردیده است چنانچه ثابت شود فرهنگ شخص حقوقی نقض قانون را هدایت، تشویق یا اغماض نموده یا منجر به آن گردیده است و یا شخص حقوقی در ایجاد یا حفظ فرهنگ انطباق با قانون قصور نموده است، واجد مسئولیت کیفری خواهد بود.<sup>۱۱۶</sup> برای ارزیابی فرهنگ شخص حقوقی نیز فاکتورهایی پیش‌بینی شده است.<sup>۱۱۷</sup> فرهنگ شخص حقوقی نیز به عنوان نگرش، سیاست، قواعد و هنجارهای رفتار در کل یا بخشی از شخص حقوقی تعریف می‌شود.<sup>۱۱۸</sup>

قانون‌گذار انگلستان نیز به منظور تفوق بر محدودیت‌های کامن‌لا در انتساب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرم قتل غیر عمد مبادرت به تصویب قانون قتل غیر عمد و آدم‌کشی شرکت‌ها در سال ۲۰۰۷ نمود که از ششم آوریل ۲۰۰۷ لازم‌الاجرا گردیده است.<sup>۱۱۹</sup> این قانون جرمی را وضع می‌نماید که عنوان آن در انگلستان و ولز و ایرلند شمالی قتل غیر عمد و در اسکاتلند آدم‌کشی است.<sup>۱۲۰</sup> و با پذیرش «قصور مدیریت» به عنوان مبنای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مسئولیت را در سیاست و فرهنگ شخص حقوقی قابل احراز می‌شناسد. قصور مدیریت نیز هنگامی است که فعالیت‌های شخص حقوقی به گونه‌ای مدیریت یا سازماندهی شود که قادر به تضمین سلامت و ایمنی دیگران نباشد و موجب قتل گردد و در نقض شدید وظیفه مراقبت غفلت نموده باشد.<sup>۱۲۱</sup> و آن در صورتی

115. Acquaah - Gaisie, Gerald; Corporate Crimes: Criminal Intent And Just Restitution, Australian Journal Of Corporate Law, 13, 2001, P. 222.

116. Section 12.3 (2) (c) (d).

117. Section 12.3 (4) (a) (b).

118. Section 12.3 (6).

119. For Detailed Informations See: Matthews, Richard, Op. Cit., PP. 10-12.

120. C M C M A, S 1 (5) (a) (b).

121. C M C M A, S 1 (1) (a) (b).

است که رفتار آن از رفتاری که به نحو متعارف از شخص حقوقی در آن شرایط انتظار می‌رفت، فاصله زیادی داشته باشد.<sup>۱۲۲</sup> بر همین اساس نیز در این قانون فاکتورهای پیش‌بینی شده که تحت عنوان «فرهنگ شخص حقوقی» شناخته می‌شوند و مشتمل بر نگرش، سیاست، سیستم و رویه‌ای است که شخص حقوقی پذیرفته است.<sup>۱۲۳</sup> هدف از تعیین آن نیز ارائه چهارچوب روشن برای تعیین میزان تقصیر اشخاص حقوقی است. ضابطه تقصیر در جرم قتل غیر عمد توسط اشخاص حقوقی نیز عینی است و غفلت شخص حقوقی هنگامی احراز خواهد شد که رفتار آن از رفتار اشخاص حقوقی متعارف در شرایط مشابه فاصله زیادی داشته باشد و متضمن آنچنان خطر شدید مرگ باشد که مستحق مجازات گردد. مطابق این ضابطه آگاهی از وجود خطر لازم نیست و صرف قابلیت پیش‌بینی آن کافی است. رکن مادی آن نیز مبتنی بر ترک فعل و نقض وظیفه مراقبت طبق حقوق غفلت می‌باشد. علاوه بر آن لازم است بین نقض وظیفه مراقبت و قتل رابطه سببیت وجود داشته باشد و آن در صورتی است که قصور مدیریت منجر به آن شده باشد. البته لازم نیست رفتار شخص حقوقی یگانه عامل یا عامل مستقیم قتل باشد بلکه می‌بایست دارای نقش مهم در نتیجه مجرمانه باشد. چه آنکه ممکن است رفتار فاعل علی مستقیم بازتاب سیاست و فرهنگ شخص حقوقی باشد. به عبارت دیگر قصور مدیریت ممکن است از قصور در پیش‌بینی غفلت قابل پیش‌بینی مستخدمان ناشی شود و نتایج حاصل از آن نیز می‌بایست قابل انتساب به قصور شخص حقوقی شناخته شود. بنابراین قصور مدیریت می‌تواند سبب قتل شناخته شود، هر چند که سبب مستقیم آن فعل یا ترک فعل یک فرد باشد. در واقع رفتار شخص ثالث یا واقعه طبیعی تنها در صورتی رابطه سببیت را نقض خواهند کرد که استثنائی و غیر عادی و خارج از قلمرو کنترل شخص حقوقی باشند.<sup>۱۲۴</sup>

122. C M C M A, S 1 (4) (b).

123. C M C M A, S 8.

124. Matthews, Richard, Op. Cit., PP. 97-98.

ویژگی مسئولیت مبتنی بر فرهنگ شخص حقوقی مقید بودن آن به دفاع کوشش لازم<sup>۱۲۵</sup> است و آن به هنگامی است که ادله ثابت نماید رفتار مدیریت ارشد مطابق با سیاست شخص حقوقی نبوده است و سیاست شخص حقوقی متضمن ممنوعیت رفتار غیر قانونی و اجتناب از قتل و صدمات بدنی از طریق اتخاذ تدابیر متعارف و قابل اجرا بوده است. در غیر این صورت ایده تقصیر واکنشی<sup>۱۲۶</sup> مانع پذیرش این دفاع خواهد بود. تقصیر واکنشی نیز به معنای قصور نامتعارف شخص حقوقی در اتخاذ تدابیر بازدارنده و اصلاحی در واکنش به رفتار غیر قانونی می‌باشد.<sup>۱۲۷</sup> برای آنکه شخص حقوقی اثبات نماید که رفتار مجرمانه ناشی از فرهنگ شخص حقوقی نبوده است باید ثابت نماید که نسبت به قصورهای مشابه در گذشته بی‌تفاوت نبوده است و تدابیر متعارف برای پیشگیری از جرم را اتخاذ نموده است. ایده تقصیر واکنشی به معنای محدود نکردن چارچوب زمانی رکن مادی و معنوی جرم است و باعث گسترش قلمرو تحقیقات در خصوص قصور شخص حقوقی برای اصلاح سیاست‌های خود با توجه به خطاهایی که در گذشته رخ داده است می‌شود.<sup>۱۲۸</sup>

مسئولیت مبتنی بر فرهنگ شخص حقوقی با مسئولیت مدیران و مستخدمان نیز قابل جمع است. مدیرانی که دارای مسئولیت نظارت هستند قادر به طفره رفتن از مسئولیت نخواهند بود و مسئولیت آنان می‌تواند مستقیم یا غیر مستقیم باشد. مسئولیت سایر مستخدمان زمانی موجه خواهد بود که فاقد دفاع «حالت اضطرار» باشند. زیرا مستخدمان آن دسته از اشخاص حقوقی که فاقد فرهنگ ایمنی‌اند را نمی‌توان سپر بالای قصور سیستم نمود. زیرا کمتر کسی اعتقاد دارد که مستخدمان در صورت عدم واکنش کارفرما به

125. Due Diligence.

126. Reactive Fault.

127. Clough, Jonathan, Op. Cit., P. 176.

128. Fisse, Brent; Braithwaite, John; The Allocation Of Responsibility For Corporate Crime: Individualism, Collectivism And Accountability, Sydney Law Review, 11, 1988, PP. 505-506.



نگرانی آن‌ها از وضعیت ایمنی، قادر به انتخاب شغل دیگری‌اند. نتیجه دفاع حالت اضطرار کاهش مسئولیت مستقیم به غیر مستقیم (معاونت یا مسئولیت ناقص) خواهد بود. این دفاع انعکاس این واقعیت است که مستخدم بی احتیاطی نموده است اما نباید از او به عنوان سپر بالای قصور سیستم استفاده شود.<sup>۱۲۹</sup>

التهایه مسئولیت مبتنی بر فرهنگ شخص حقوقی با الهام از دیدگاه واقعی بودن اشخاص حقوقی و تئوری‌های سازمان، ماهیت مستقل و قابلیت سرزنش اخلاقی اشخاص حقوقی را جدا از اعضای آن منعکس می‌نماید.

---

129. Wells, Celia, Op. Cit., PP. 163-166.

## نتیجه‌گیری

اشخاص حقوقی عامل وقوع بسیاری از فجایع منتهی به قتل و صدمات بدنی‌اند. مسئولیت انضباطی و مدنی اشخاص حقوقی قادر به انعکاس ارزش حیات بشر در برخورد با قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی نمی‌باشند. مهم‌ترین محدودیت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی ناشی از پیش‌شرط ارتکاب رفتار مجرمانه (رکن مادی) توأم با حالات ذهنی (رکن معنوی) است. با این وجود تحولات فرهنگی - اجتماعی و آگاهی عمومی از عدم مشروعیت و اجتناب‌پذیری قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی و درک ماهیت واقعی اشخاص حقوقی در تعدیل این فرض که تنها انسان موضوع مسئولیت کیفری در برابر جرائم یادشده می‌باشد مفید خواهد بود. تئوری‌های سازمان با تأیید ماهیت واقعی اشخاص حقوقی بر نقش متقابل شخصیت حقوقی و اعضاء آن در اتخاذ تصمیمات و اجرای آن تأکید می‌نماید. فرهنگ شخص حقوقی تبلور شخصیت اشخاص حقوقی است و قابلیت سرزنش اخلاقی آن‌ها را منعکس می‌نماید. با این وجود ماهیت متمایز اشخاص حقوقی مستعد پذیرش خطای کیفری با معیار عینی به عنوان پیش شرط تقصیر کیفری و مسئولیت کیفری آنان در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی غیر عمد می‌باشد. آن در صورتی است که شیوه مدیریت یا سازماندهی فعالیت شخص حقوقی که از آن به قصور مدیریت تعبیر می‌شود، منتهی به نقض شدید وظایف قانونی مراقبت از دیگران با بی‌پروایی گردد و سبب مهم قتل یا ایراد صدمه بدنی باشد. قصور مدیریت می‌تواند سبب قتل و صدمه بدنی شناخته شود، هر چند که سبب مستقیم آن فعل یا ترک فعل یک فرد باشد. چه آنکه رفتار شخص ثالث یا واقعه طبیعی تنها در صورتی رابطه سببیت را نقض خواهند کرد که غیر عادی و خارج از کنترل شخص حقوقی باشد. چنانچه شخص حقوقی ثابت نماید به نحو متعارف کوشش لازم را برای ممانعت از وقوع قتل و صدمات بدنی به عمل آورده است، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. النهایه این مقاله ثابت می‌نماید که اشخاص حقوقی نیز اهلیت ارتکاب قتل و صدمات بدنی غیر عمد را دارند و بالقوه در برابر آن واجد مسئولیت کیفری‌اند. و پیشنهاد

می‌نماید قانونگذار ایران نیز به مانند قانونگذار انگلستان در جهت به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر جرائم قتل و صدمات بدنی غیر عمد، اقدام نماید.

## فهرست منابع

## الف) فارسی

۱. آقایی‌نیا، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی: جرائم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
۲. اشتیاق، وحید؛ گرایش به پذیرش و توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: واکنش واقع‌گرایانه به آثار توسعه، جمله پژوهش‌های حقوقی، ص ۶، ش ۱۱، ۱۳۸۶.
۳. حاجی ده آبادی، احمد؛ جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۴. دیویس، استانی.ام؛ مدیریت فرهنگ سازمان، ترجمه ناصر میرسپاسی و پریچهر معتمد گرجی، تهران، آراین، ۱۳۷۳.
۵. رهامی، محسن؛ عرفی شدن مجازات‌ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳.
۶. شفریتز، جی.ام، استیون، اوت.ج، تئوری سازمان‌ها: اسطوره‌ها، ترجمه علی پارسائیان، جلد ۱-۲، تهران، کتاب فرزانه، ۱۳۷۸.
۷. شفیع‌ی سروستانی، ابراهیم؛ رحمان ستایش، کاظم؛ قیاسی، جلال‌الدین؛ قانون دیات و مقتضیات زمان، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶.
۸. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، جلد ۱-۲، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.
۹. طاهری نسب، یزدالله؛ مطالعه تطبیقی رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، پایان‌نامه مقطع دکتر حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

۱۰. عارفی مسکونی، محمد؛ ماهیت حقوقی دیه و تحلیل میزان و نوع آن، تهران، دانشور، ۱۳۸۲.
۱۱. عبدالهی، اسماعیل؛ مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی انگلستان و ایران، پایان‌نامه مقطع دکترا حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
۱۲. عوده، عبدالقادر؛ التشریع الجنائی الاسلامی، ترجمه ناصر قربانیان، مهدی منصوری و نعمت‌اله الفت، تهران، میزان، ۱۳۷۳.
۱۳. فیض، علیرضا؛ مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد ۲-۱، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۴. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی: الزام‌های خارج از قرارداد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۱۵. کاتوزیان، ناصر؛ مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۱۶. کمیته اروپایی مسائل مربوط به جرم (شورای اروپا)، گزارش جرم‌زدایی اروپا، ترجمه واحد مرکز مطالعات توسعه قضایی، قم، سلسبیل، ۱۳۸۴.
۱۷. کوشا، جعفر؛ کارکردهای حقوق جزا، فصلنامه دانشگاه علوم اسلامی رضوی (اللهیات و حقوق)، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۰.
۱۸. لازرژ، کریستین؛ درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۱.
۱۹. میرمحمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی: جرائم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
۲۰. نوریها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، دادآفرین، ۱۳۸۶.
۲۱. نجیب حُسنی، محمود؛ رابطه سببیت در حقوق کیفری، ترجمه علی عباس نیای زارع، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵.

۲۲. هچ، ماری جو؛ تنوری سازمان: مدرن، نمادین و تفسیری پست مدرن، ترجمه حسن دانایی فرد، جلد ۱-۲، تهران، افکار، ۱۳۸۵.

### ب) لاتین

23. Acquaah - Gaisie, Gerald; Corporate Crimes: Criminal Intent And Just Restitution, Australian Journal Of Corporate Law, 13, 2001.
24. Ashworth, Andrew, Principles Of Criminal Law, 3rd edn., Oxford, Oxford University Press, 1999.
25. Beale, Sara And Adam, Safwat; What Development In Western Europe Tell Us About American Critiques Of Corporate Criminal Liability, Buffalo Criminal Law Review, 8, 2004.
26. Brown, W. J.; G C S E Law, London, Sweet & Maxwell, 1989.
27. Clough, Jonathan, The Prosecution Of Corporations, Thesis, phd., Monash University, 2004.
28. Crabtree, Maryjane; Corporate Culpability For Industrial Manslaughter: Finding The Soul Of The Australian Corporation, Australian Business Law Review, 22, 1994.
29. Edwards, Robin; Corporate Killer, Australian Journal Of Corporate Law 1, 13, 2001.
30. Elliott, Catherine And Quinn, Frances, Criminal Law, 3rd edn., London, Longman, 2000.
31. Fisse, Brent; Braithwaite, John; The Allocation Of And Accountability, Sydney Law Review, 11, 1988.

32. Friedman, Lawrence; In Defense Of Corporate Criminal Liability, Harvard Journal Of Law And Public Policy, 23, 2000.
33. Jefferson, Michael, Criminal Law, 1st edn., London, Longman Pearson Education Limited, 2001.
34. Khanna, V., Is The Notion Of Corporate Fault A Fault Notion? The Case Of Corporate Mens Rea, Boston University Law Review, 79, 1999.
35. Matthews, Richard, Blackstone's Guide To The Corporate Manslaughter And Corporate Homicide Act 2007, 1st edn., London, Oxford University Press, 2008.
36. Morgan, Derek, Quick, Oliver And Wells, Celia, Disasters: A Challenge For The Law, Washburn Law Journal, 39, 2000.
37. Padfield, Colin And Baker, David, Law Made Simple, 7th edn., London, Made Simple Books, 1989.
38. Rosner, David; When Does A Worker's Death Become Murder? American Journal Of Public Health, 90, 2000.
39. Smith, J. And Hogan, B.; Criminal Law, 8th edn., London, Butterworths, 1992.
40. Tasmania Law Reform Institute; Criminal Liability Of Organizations, Issues Paper No 9, June 2005.  
Available In: <http://www.law.utas.edu.au/reform/report-publications.htm>
41. Todarello, Vincent; Corporations Don't Kill People Do: Exploring The Goals Of The United Kingdom's Corporate Homicide Bill, New School Law Review, 46, 2003.
42. Wells, Celia, Corporations, And Criminal Responsibility, 2nd edn., Oxford, Oxford University Press, 2001.

43. Wells, Lydia; The Attribution Of Criminal Responsibility To Corporations For The Offence Of Corporate Manslaughter Thesis, phd, Murdoch University, 2005.